

پرده نقره‌ای

دبیر جشنواره «فیلم ۱۰۰ مطرح کرد؛ جولان فیلم‌های ۱۰۰ ثانیه‌ای در فضای مجازی

دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» به‌همت حوزه‌هنری اسفندماه‌سال جاری به‌دبیری علی قربانی بر گزار می‌شود.

علی قربانی دبیر این رویداد سینمایی با اشاره به استقبال گسترده فیلمسازان و تهیه‌کنندگان حوزه سینمای کوتاه از این جشنواره خبر داد: علاقمندان تا آخر دی ماه فرصت دارند آثار شان را برای دبیر خانه جشنواره ارسال کنند. وی افزود: اخلاق، سبک زندگی و خانواده مهم‌ترین رویکرد جشنواره «فیلم ۱۰۰» حوزه هنری است. امیدواریم با بهره‌گیری از تجربه دوره‌های گذشته حرکت مناسب و متفاوتی را رقم بزنیم. دبیر جشنواره بین‌المللی «فیلم ۱۰۰» با اشاره به اهمیت و جایگاه تولیدات کوتاه و فیلم‌های ثانیه‌ای در جامعه امروز گفت: در دوره‌ای زندگی می‌کنیم که نیازمند اشاعه هر چه بیشتر فرهنگ اخلاقی مداری در جامعه هستیم. متأسفانه در حال حاضر برخی قسمت‌های جامعه‌ما از بی‌اخلاقی رنج می‌برد. به‌عنوان مثال: بی‌اخلاقی در آپارتمان نشینی، بی‌اخلاقی در رانندگی، برخی مناسبات روزمره و... وظیفه هنرمندان و سینماگران است روی اخلاق جامعه کار کنیم.

قربانی با بیان این که سینمای اخلاقی سینمای تذکر است و باید روی مخاطب تأثیر گذار باشد، گفت: سینما به‌عنوان رسانه‌ای نافذ، مروج و تأثیر گذار بدون شک، در ترویج بسیاری از هنجارهای اجتماعی و نکات اخلاقی می‌تواند نقش آفرین و تعیین‌کننده باشد. مشکل بی‌اخلاقی در جامعه‌ما از طریق سینما حل می‌شود و خصوصاً، سینمای کوتاه و یا ۱۰۰ ثانیه‌ای تأثیر خوبی در اشاعه اخلاقیات دارد.

■ ■ ■

«سینماحقیقت» با کدام فیلم‌ها، آمده است؟



نخستین روز از دوازدهمین جشنواره بین‌المللی «سینماحقیقت» با اکران ۴۱ فیلم مستند در ۶ سالن پردیس سینمایی چارسو میزبان مخاطبان بود. «بهارستان، خانه ملت» به کارگردانی بابک بهداد، «تاریخ صدور» ساخته مجید عزیزی، «شهبسوار» به کارگردانی علی شاه‌محمدی، «مثل اسمم پگاه» ساخته سودابه بیضایی و «یک سال در زندگی اینگمار برگمان» مستندهایی هستند که روز یکشنبه ۱۸ آذرماه به ترتیب در سانس‌های ۱۴، ۱۶، ۱۸، ۲۰ و ۲۲ سالن شماره یک پردیس سینمایی چارسو نمایش داده شدند. در این روز کارگاه‌های «ساختار دراماتیک در سینمای مستند» «مستند سینمایی» با حضور همایون امامی و استاد محمدرضا صالاتی، از ساعت ۱۴ تا ۱۸ در سالن شماره دو پردیس برگزار شد. مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی سازمان امور سینمایی، دوازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم مستند ایران «سینماحقیقت» را طی روزهای ۱۸ تا ۲۵ آذرماه ۱۳۹۷، با شعار «حقیقت بهترین راهنماست» که از فرمایشات حضرت علی (ع) است، در پردیس سینمایی چارسو شهر تهران برگزار می‌کند.

■ ■ ■

مجید مجیدی از هندی‌ها جایزه گرفت

به گزارش سینماخبر «مجید مجیدی» جایزه «یک‌عمر دستاورد هنری» را از جشنواره بین‌المللی فیلم کرالا دریافت کرد. او در این رویداد به‌عنوان رئیس هیأت داوران حنیز حضور داشت. «پینارای ویجران» رئیس بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم کسراالا، جایزه «یک‌عمر دستاورد هنری» مجیدی را به او تقدیم کرد. مجیدی آخرین فیلم خود به نام «آل‌سوی ابرها» را در هندوستان تولید کرد. وی هم‌چنین قصد دارد فیلم دیگری با عنوان «معدن زغال‌سنگ» را در این کشور پرجمعیت آسیایی جلوی دوربین ببرد. مجید مجیدی که جایزه یک‌عمر دستاورد هنری را از دست ویجایان دریافت کرد در این مورد گفت: «من بیش از هر جایزه و موفقیتی، گرمی و مهربانی مخاطبین را برایم ارزنده است.» این جشنواره با فیلم «همه می‌دانند» از اصغر فرهادی که دارنده دو جایزه اسکار است، افتتاح شد. طی روز برگزاری این جشنواره بین‌المللی، ۱۹۰ فیلم از ۶۵ کشور به نمایش درمی‌آید. تم جشنواره امسال کراالا «روح انسانی: فیلم‌و امیدو بازسازی» است که ۶فیلم تحت این عنوان ویژه اکران خواهند شد.

«در جست‌وجوی فریده»، روایت دختری که در پی هویت اصیل خود است

یافتن معنای خویش در عشق!

همه این ماجراها بر می‌گردد به تیرماه سال ۱۳۵۵ که نوزاد دختری توسط یکی از نگهبانان حرم امام رضا، در یکی از صحن‌های حرم، پیدامی‌شود. چند ساعتی می‌گذرد، و بعد از این که کسی به سراغ بچه نمی‌آید، نگهبانان او را به شیرخوارگاه مشهد منتقل می‌کنند. در شیرخوارگاه، نام این دختر را «فریده» می‌گذارند و بعد از چندماه، او را به شیرخوارگاه بین‌المللی تهران منتقل می‌کنند. در نهایت توسط یک زوج هلندی به نام آقا و خانم کونینگ (KONING) به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود و در حالی که ۱۶ ماهه است، همراه آنان به استکهلم می‌رود.



همه این ماجراها بر می‌گردد به تیرماه سال ۱۳۵۵ که نوزاد دختری توسط یکی از نگهبانان حرم امام رضا، در یکی از صحن‌های حرم، پیدا می‌شود. چند ساعتی می‌گذرد، و بعد از این که کسی به سراغ بچه نمی‌آید، نگهبانان او را به شیرخوارگاه مشهد منتقل می‌کنند. در شیرخوارگاه، نام این دختر را «فریده» می‌گذارند و بعد از چندمساء، او را به شیرخوارگاه بین‌المللی تهران منتقل می‌کنند. فریده در پی این رهاشدگی، مدتی توسط پرورشگاه نگهداری و در نهایت توسط یک زوج هلندی به نام آقا و خانم کونینگ (Koning) به فرزندخواندگی پذیرفته می‌شود و در حالی که ۱۶ ماهه است، همراه آنان به استکهلم می‌رود. فریده تا پنج سالگی، نمی‌داند فرزند واقعی این خانواده نیست. اما بالاخره خانواده که حالا خود صاحب پسری شده‌اند، به او می‌گویند که او را از ایران آورده‌اند. از این جابه‌جایی بعد از فریده دلیل تفاوت‌های خود با دیگر همکلاسی‌ها و دوستانش را می‌فهمد؛ این که چرا رنگ پوست و مو و چشم‌هایش با آن‌ها تفاوت دارد و مهم‌تر و آزاردهنده‌تر این که چرا او نسبت به اطرافیان و حتی خانواده‌اش، خون‌گرم‌تر و حساس‌تر است.

فریده و معضل غربیگی

فریده، از زمانی که می‌فهمد اصل و نسیبی ایرانی دارد، مدام اخبار ایران را پی می‌گیرد و اطلاعاتی در مورد ایران به دست می‌آورد. پس از سال‌ها، فریده که هرگز نتوانسته است خود را با جامعه

استکهلم هماهنگ کند و نتوانسته است ازدواج کند، چون هنوز با هویت خود مشکل دارد، تصمیم جدی می‌گیرد که به ایران برود و خانواده خود را بیابد. و البته خانواده هلندی‌اش، با این تصمیم او مخالفتند؛ چه دلیلی دارد که پس از چهل سال، کسی به دنبال خانواده‌ای باشد که او را رها کرده است؟ اما فریده اصرار دارد برای پرسش‌هایش جوابی بیابد.

بنابراین در وبلاگش، داستان زندگی‌اش را می‌نویسد و از ایرانیانی که این داستان را می‌خوانند کمک می‌خواهد. بالاخره یک نفر پیدا می‌شود که داستان فریده، توجهش را جلب می‌کند. و روایت او با

تیتز روزنامه خلاصه و گویا بود و البته کنجکاوی برانگیز: «دختری هلندی به دنبال خانواده واقعی‌اش در ایران می‌گردد... متن خبر را تا انتها خواندیم. اولین بار نبود که می‌شنیدیم فرزندخوانده‌ای به دنبال پدر و مادر خونی‌اش می‌گردد، اما چیزی در قصه زندگی این دختر وجود داشت که باعث شد این خبر کوتاه، تا چند روز رهایمان نکند و هرچه بیشتر درباره‌اش حرف می‌زدیم و به آن فکر می‌کردیم، بیشتر مطمئن می‌شدیم که قصه فیلم جدیدمان را یافته‌ایم. وبلاگش را پیدا کردیم و غرق خواندن یادداشت‌های روزانه‌اش شدیم. نوشته‌هایی دلنشین و پراحساس و در عین حال پر از درد و غدغه، نوشته‌هایی که در دل خود

فریده در این سفر و در ملاقات با این خانواده‌ها متوجه می‌شود که او به عمده در حرم رها شده است و این در دناک ترین بخش ماجرا است. این که اساسا ناخواسته بوده و به دلیل فقر و طلاق، بیرون انداخته شده است

نظر ما بستری جذاب برای ساخت یک فیلم مستند بود.

مدعیان یکی یکی پیدامی‌شوند!

چاپ داستان فریده در روزنامه، موجب می‌شود مردی به نام علی اکبر مدعی شود فریده دختر اوست. و این آغاز یک ماجرای طولانی است؛ چرا که دو خانواده دیگر هم پیدامی‌شوند که ادعا می‌کنند در همان سال و به همان نحو، فرزند دختری از آن‌ها در حرم رها شده است. چنین است که فریده تصمیم جدی می‌گیرد که به ایران سفر کند و برای شناسایی خانواده اصلی خود از بین این سه مورد محتمل، تست DNA انجام دهد. فریده ابتدا وارد تهران می‌شود و همراه گروه کارگردانی که این پروژه را به عهده گرفته‌اند، چند روزی در تهران گردش می‌کند و سپس عازم مشهد می‌شود. در راه‌هن مشهد، هر سه خانواده مدعی به پیشواز فریده آمده‌اند و چنان اشتیاقی از خود نشان می‌دهند که قلب هر انسانی را لرزه درمی‌آورد. و در عین حال این دلهره را به جان آدمی می‌اندازد که کدام یک از این خانواده‌ها ممکن است خانواده اصلی او باشند و دیگران چگونه می‌توانند با واقعیت مواجه شوند. فریده به خانه تکت‌تک این خانواده‌ها دعوت می‌شود و از او پذیرایی جانانه‌ای می‌شود. هر سه این خانواده‌های پر تعداد، او را خواهر و فرزند خود می‌دانند. به خصوص زنی که می‌گوید شوهر سابقش پس از طلاق، دخترش را از او دزدیده و در نهایت در حرم رها کرده است. به‌عنوان تماشاگر، ما در شیش و بش این هستیم که دو خانواده‌ای که مشخص شود فریده دختر آن‌ها نیست، چه حالی خواهند یافت.

فریده در این سفر و در ملاقات با این خانواده‌ها متوجه می‌شود که او به عمده در حرم رها شده است و این در دناک ترین بخش ماجرا است. این که او از ابتدا، فرزند ناخواسته بوده که اساسا به دلیل فقر و طلاق، بیرون انداخته شده است.

واقعیت چندان هم تلخ نیست!

فریده و هر سه خانواده مدعی، در آزمایش تست DNA شرکت می‌کنند و در فاصله زمانی اعلام نتیجه آزمایش، فریده همراه گروه کارگردانی به دیدن شهر مشهد و زیارت حرم امام رضا می‌رود؛ جایی که ۴۰ سال پیش، آن‌ها رها شده بود. نگاه فریده از این پس نگران است و این نگرانی کم‌کم رنگ و بوی یاس می‌گیرد. انگار حسی به‌و می‌گوید که هیچ کدام از این آدم‌ها، خانواده او نیستند. اما از طرفی به نظر می‌رسد فریده در حال رسیدن به نوعی آرامش و سکون هم هست؛ او اکنون در میان مردمی است که با آن‌ها احساس قربت و هم‌حسی عجیبی دارد؛ و می‌بیند که این مردم به اندازه او خون‌گرم و حساس‌اند و

اجتماعی خاص و عام و همچنین تقسیم‌کردن افراد بر اساس مذهب، قوم، نژاد و... منجر به ایجاد تبعیض می‌شود. براین اساس در قلمروی آسیب‌شناسی «تبعیض»، رفتار با اقدامی منفی است که نسبت به فرد یا گروهی از افراد بر اساس جنسیت، نژاد، طبقه اجتماعی و... اعمال می‌شود. در دیدگاه روانشناسی می‌توان منشأ و خاستگاه تبعیض‌ها را «افکار قالبی» حاکم بر محیط‌های اجتماعی در نظر گرفت که رویکردهای مختلف روانشناسی دیدگاه‌های متفاوتی را در شکل‌گیری این افکار قالبی مطرح کرده‌اند؛ به عنوان مثال دیدگاه «یادگیری اجتماعی» بخشی از رفتارهای تبعیض‌آمیز را محصول تجربه فرد در زندگی اجتماعی می‌داند؛ به عبارت دیگر افکار قالبی و کلیشه‌ای از طریق تعامل و ارتباط فرد با افرادی که در زندگانی با آنها سروکار دارد و همچنین بواسطه محیطی که در آن رشد یافته‌است، آموخته می‌شوند. روانشناسان معتقدند در شرایط تبعیض، فرصت حرکت از فرد سلب می‌شود و ادامه این روند خطر ابتلا به انواع اختلالات روانشناختی را